

امام زمان علیه السلام حجت خدا بر زمین

پنجشنبه، ۲۱/ اردیبهشت/ ۱۳۹۶

بسم الله الرحمن الرحيم

«الهی انطقنی بالهدی و الهمنی بالتقوی»

چون بحث در نیمه شعبان پخش می‌شود، می‌خواهم راجع به امام زمان علیه السلام صحبت کنم. یک نکته‌ی مهمی است. توجه داشته باشید. اگر سوزن باشد، نخ هم باشد، لباس پاره باشد، تویخ می‌کنیم و می‌گوییم: چرا لباس را ندوخته‌ای؟ اما اگر یا سوزن نباشد و یا نخ نباشد، تویخ نمی‌کنیم. اگر آب باشد، خاک هم باشد، کشاورزی نکنیم، قابل تویخ هست یا نیست؟ هست! اما اگر بگوییم: چرا تو کشاورزی نمی‌کنی؟ بگوید: آب ندارم، یا بگوید: زمین ندارم. اگر آب و زمین بود، می‌گویند چرا کشاورزی نمی‌کنی. اگر هم سوزن و هم نخ بود می‌گویند: چرا نمی‌دوزی! قرآن یک آیه دارد می‌گوید: شما آیات خدا را دارید، در بین شما رسول هم دارید، پس چرا کافر شده‌اید؟ یعنی اگر آیات نبود، کافر شدن شما طوری نبود. می‌گویید: کافر هستیم برای اینکه حرف حق به گوش ما نرسید، یا راهنما نداشتیم. اگر هم قانون دارید و هم راهنما، هم معلم دارید و هم کتاب، می‌گویند: پس چرا درس نمی‌خوانید؟ این دلیل است برای اینکه همیشه باید یک وجود معصومی حالا پیغمبر یا امام روی کره‌ی زمین باشد.

۱ - اتمام حجت، با کتاب خدا و پیشوای معصوم:

آیه را می‌نویسم خیلی قشنگ است: سوره آل عمران، آیه ۱۰۱ - «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» موضوع: وجود حجت خدا! قرآن می‌فرماید: «وَ كَيْفَ تَكْفُرُونَ وَ أَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَ فِيكُمْ رَسُولُهُ» [ترجمه: و چگونه شما کفر می‌ورزید، در حالی که آیات خدا بر شما تلاوت می‌شود و رسول او در میان شماست] چگونه شما کافر شدید، در حالی که، «أَنْتُمْ» یعنی شما! در حالی که برای شما، هم «آيَاتُ اللَّهِ» تلاوت می‌شود، آیات خدا برای شما خوانده شده است و هم «فِيكُمْ رَسُولُهُ» هم در بین شما رسول است. شما که هم قرآن دارید و هم رسول، چرا کافر شدید؟ شما که هم سوزن دارید و هم نخ، چرا لباس پاره است، شما که هم زمین دارید و هم آب، چرا کشاورزی نمی‌کنید؟ اگر امام زمان علیه السلام نباشد، همه‌ی مردم کافر شوند، جا دارد. برای اینکه قرآن گفته است، هم قرآن، هم حجت خدا و رسول! اگر هم آیه باشد و هم رسول، حق ندارید کافر شوید. اگر امام زمان علیه السلام نباشد، بگوییم: خدایا! ما همه کافر می‌شویم، تو هم گفته‌ای، اگر هر دو بودند، کافر نشوید. فعلاً چون حجت خدا نیست، کافر شدن ما اشکالی ندارد. گرفتید یا نگرفتید! یک بار دیگر!

اگر کسی هم معلم دارد، هم کتاب، درس نخواند توییح است. هم آب دارد، هم خاک دارد، کشاورزی نکند، توییح است. هم سوزن دارد و هم نخ دارد، ندوزد، توییح است. هم «آیاتُ الله» است، هم آیات قرآن هست، هم «فیکم رَسُوْلُهُ» هم رسول است، هم آیه، هم قرآن است، هم پیغمبر، با بودن هر دو چرا کافر شدید؟ پس معنایش این است که پیغمبر که از دنیا رفت، پیغمبر که از دنیا رفت، اگر یک نفر مثل پیغمبر نباشد، مردم حق دارند کافر شوند. بگویند: خیلی خوب! خدایا تو به ما گفتی: هم قرآن و هم رسول! رسول از دنیا رفته است، پیغمبر که از دنیا رفت، فقط قرآن است. پس با یکی کافر شدن ما اشکالی ندارد. اگر امام زمان علیه السلام نباشد، کافر شدن ما اشکالی ندارد. این وجود امام زمان علیه السلام است. یعنی همیشه روی کره‌ی زمین باید حجت خدا باشد. حالا یا به اسم پیغمبر و یا به اسم امام! یعنی یک نفر معصوم که حجت خداست، باید باشد. این دلیل قرآنی برای اینکه همیشه باید حجت خدا روی کره‌ی زمین باشد. اولین موجودی که خداوند خلق می‌کند، پیغمبر است، حضرت آدم! آخرین کسی هم که کره‌ی زمین وقتی منقرض می‌شود، و همه چیز به هم می‌ریزد، آن آخرین نفر هم پیغمبر است. اولینش پیغمبر است، آخرینش هم باید امام باشد. «وَ كَيْفَ تَكْفُرُونَ» شما حق ندارید کافر شوید، برای اینکه هم آیات الهی است و هم در بین شما رسول است. پیغمبر ما آخر ماه صفر از دنیا رفت. خیلی خوب!

قطار! چرا حرکت نمی‌کنی با اینکه دو تا ریل داری؟ اگر یکی از ریل‌ها خراب بشود، صاحب قطار حق دارد بگوید که دیگر من نمی‌توانم حرکت کنم. چون قطار وقتی حرکت می‌کند که دو ریل داشته باشد. اگر راه آهن دو تا بود، می‌توانیم بگوییم: چرا حرکت نمی‌کنی؟ اما اگر یکی بود می‌توانی بگویی که نمی‌توانم! هم پیغمبر و هم قرآن! پیغمبر از دنیا رفت، فقط قرآن است. می‌گوید: نه! حالا چون یکی است، کافر شدن طوری نیست. حق ندارید کافر شوید، به شرط اینکه هر دو باشند، اگر یکی بود کافر شوید. یعنی اگر امام زمان علیه السلام نباشد، همه‌ی مردم کره‌ی زمین کافر شوند، روز قیامت جواب ندارد. خوب گوش دادید؟ امتحان هوش! اگر هر دو بودند؟ حق کفر و کافر شدن ندارید. اما پیغمبر که از دنیا رفت، فقط قرآن مانده است، آن مرد هم گفت که قرآن کافی است، ما اهل بیت نمی‌خواهیم، خلیفه‌ی دوم، «حسبنا کتاب الله!» ما قرآن برایمان بس است. دیگر علی نمی‌خواهیم، زیر غدیر خم هم زدند. خوب قرآن می‌گوید: اگر هر دو بود، حق ندارید که کافر شوید. معنایش این است که اگر یکی بود، کافر شدن شما اشکال ندارد. از این آیه استفاده می‌شود، همینطور که می‌گوید: «فیکم رَسُوْلُهُ» در بین شما رسول است، همیشه در جامعه باید حجت خدا باشد. خوب این یک آیه! آیه مهمی بود.

۲ - شناخت امام زمان علیه السلام، راه دوری از جاهلیت:

مسأله‌ی دوم اینکه «مَنْ مَاتَ» این حدیث را شیعه نقل کرده و سنی هم نقل کرده است. که اگر کسی بمیرد و امام زمانش را نشناسد، «مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (الکافی، ج ۱، ص ۳۷۷) اصلاً راهنما قبل از خود انسان است. من یک آیه می‌خوانم، فکر می‌کنم که بعضی از شما حفظ هستید. «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ» اول می‌گوید: «خَلَقَ» بعد می‌گوید: انسان! «الرَّحْمَنُ» خدای رحمان! «عَلَّمَ الْقُرْآنَ» قرآن را یاد داد. بعد می‌گوید: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ» اسم قرآن قبل از انسان آمده است! چرا؟ برای اینکه... یک سؤال می‌کنم شما جواب بدهید. جاده مقدم است، یا ماشین؟ باید اول جاده را ساخت یا اول ماشین را ساخت؟ اول باید جاده بسازیم. چون ماشین باید در جاده برود. «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ» چون قرآن جاده است. راه را نشان می‌دهد. بعد می‌گوید: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ» ماشین بیاید و برود داخلش! یعنی مکتب قبل از اینکه بچه سر کلاس برود، باید کتاب‌هایش چاپ شده باشد. کتاب‌های آموزش و پرورش و دانشگاه! اول کتاب! بچه بیاید و بنشیند و ببیند که کتاب نیست. خلیفه‌ی خدا! این برای اصل وجود امام زمان علیه السلام بود.

درباره‌ی امام زمان علیه السلام چند سؤال است. این سؤالات را ما باید پاسخ بدهیم. اول اینکه چرا امام زمان علیه السلام غایب است؟ چیزی که قبلاً من گفتم، الان هم تکرار می‌کنم. چون من دیگر حالا بعد از سی و هفت و هشت سال...

۳ - غیبت امام زمان علیه السلام، به دنبال شهادت یازده معصوم علیهم السلام:

اگر یک مسؤل برق کشور یا منطقه لامپی را در یک منطقه‌ای زد، آمدند و مردم شکستند. خوب خیلی خوب! لامپ دوم! شکستند. آقا لامپ سوم بزنید، شکستند. لامپ چهارم را بزنید، شکستند. اگر یازده لامپ در یک منطقه زدیم، یازده تا را شکستند، آیا لامپ دوازدهمی را بزنیم یا نزنیم؟ با هم بگویید! نزنیم. امیرالمؤمنین شکستند، او را کشتند، امام حسن را کشتند. امام حسین را کشتند. یازده تا چراغ هدایت، یعنی یازده ولی خدا و امام معصوم را کشتند. خدا لامپ دوازدهم را که امام زمان علیه السلام را دیگر وصل نکرد. هر وقت آدم شدید. یازده تا چراغ... این هم برای اینکه چرا امام زمان علیه السلام غایب است. اگر خانمی یازده بار در خانه غذا پخت، و هیچ دفعه شوهرش نخورد، باز هم می‌پزید؟ می‌گوید: دیگر فایده‌ای ندارد، ما هر چه غذا می‌پزیم، شوهر نمی‌خورد. اگر یازده دفعه معلم سر کلاس آمد و بچه‌ها درس را گوش ندادند، دیگر سر کلاس نمی‌آید. می‌گوید: این بچه‌ها درس خوان نیستند. این دلیل این است که چرا امام زمان علیه السلام غایب است. یازده نفرشان را کشتیم، دیگر دوازدهمین را وصل نمی‌کنم.

سؤال: امام زمان علیه السلام ... بحث را نیمه شعبان گوش می دهید. این‌هایی که می گویم می تواند پاسخ به سؤالات باشد. امام غایب چه فایده‌ای برای ما دارد؟ مثل خورشید پشت ابر است. خورشید پشت ابر معنایش این نیست که استفاده نکنیم.

سؤال: خوب حالا می گوید که امام زمان علیه السلام بیاید. چه زمانی می آید؟ یک صلواتی بفرستید.

۴ - ظهور امام زمان علیه السلام، لطف خداوند بر مستضعفان عالم:

راجع به کلمه‌ی منت در قرآن یک مرتبه برای پیغمبر گفته است، خدا بر مردم منت گذاشت، که برای مردم پیغمبر فرستاد. «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» اما راجع به امام زمان علیه السلام نمی گوید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» می گوید: «وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا» (قصص / ۵) یعنی وجود پیغمبر منت است برای مردم باایمان! ولی وجود امام زمان علیه السلام منت است برای همه‌ی مستضعفین چه مؤمن باشند و چه کافر باشند. وجود امام زمان علیه السلام برای عدالت می آید. نمی دانم گرفتید یا نه؟ خدا درباره‌ی ولی خودش، دوبار کلمه‌ی منت را گفته است. خدا به ما لطف کرده است، بر سر ما منت گذاشته است، پیغمبر فرستاده است. «مَنْ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»، «مَنْ» یعنی منت. نسبت به مؤمنین خدا منت گذاشته است. اما راجع به حضرت مهدی علیه السلام نمی گوید: «مَنْ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» می گوید: «وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا» خدا بر مستضعفین! به محرومین دنیا منت گذاشته است. یعنی امام زمان علیه السلام امام شیعیان نیست. نجات‌دهنده‌ی بشریت است. روایت داریم که اگر امام زمان علیه السلام نباشد، زمین اهلس را فرو می برد! می شود؟ شما در اسکناس‌ها یک نخ است، اگر این نخ نباشد، ارزش ندارد.

۵ - امکان نبوت و امامت، در سنین کودکی:

امام زمان علیه السلام چه زمانی امام شد؟ در سه سالگی! سؤال: بچه‌ی سه ساله می شود امام شود؟ می گویم: نه! ولی یک مثالی می زنیم، می گویم: چرا می شود. دوستان من قبلاً نگفته‌ام که آماده کنند. شما در جیبتان فلش کامپیوتر دارید؟ کسی فلش کامپیوتر دارد؟ بده به من ... زودتر! تشکر! این فلش کامپیوتر است. حالا نصف این هم است. حالا این بزرگش است. چیست؟ فلز است. جنش فلز است. توی آن هم خالی است. یک سانت در یک سانت است. یک سانت در دو سانت یا کمتر است. نیم سانت در نیم سانت هم داریم. حالا این دو سانت است، نیم سانتی هم هست. یک سانت آهن! فلز! تو خالی! این فلش را به کامپیوتر وصل می کنیم. مثل دو شاخ تلفن که در پریز می رود. این را وصل به کامپیوتر که می کنیم، بعد از چند ثانیه و بعد از چند لحظه صد هزار صفحه‌ی علمی، یعنی صد هزار کتاب از صفحات کتاب از آن کامپیوتر وارد این کامپیوتر

می‌شود. انسان چه چیزی ساخت؟ انسان چیزی ساخت به نام کامپیوتر که صد هزار ورق علمی با یک چند لحظه از کامپیوتر به کامپیوتر، از فلز به فلز، از جماد به جماد منتقل می‌شود. حالا اگر انسان توانست علم را از فلز به فلز منتقل کند، خدای انسان نمی‌تواند علم را از امام حسن عسکری علیه السلام به بچه‌ی کوچک منتقل کند؟ یعنی امام زمان علیه السلام از این فلش کوچک‌تر است؟ انسان علم را به جماد منتقل می‌کند. خدای این مهندس نمی‌تواند علم را به انسان منتقل کند؟ این فلش کامپیوتر دلیل بر این است که بچه‌ی دو ساله و بچه‌ی یک ساله، هم می‌تواند. یک بار... امامت که کیلویی نیست، که چند کیلو امام داریم. مثل اینکه... کیلویی که نیست. ممکن است یک چیزی جزیی باشد، اما اطلاعات همه وارد بشود. یک کتابخانه می‌تواند در این برود. نه فقط صد هزار صفحه، صد هزار جلد کتاب! یک کتابخانه در فلز می‌رود. چه اشکالی دارد؟ این هم پاسخ کسی که می‌گوید: چطور امام زمان علیه السلام در بچگی به امامت رسید. گاهی یک رادیوی کوچک موج آمریکا را هم می‌گیرد، گاهی یک رادیو به اندازه‌ی بشکه موج تهران را هم نمی‌گیرد. کیلویی که نیست که امام زمان علیه السلام بچه است یا بزرگ است. بگذریم که قرآن آیاتی دارد که بعضی از پیغمبران در بچگی به پیغمبری رسیدند. این برای چه کسی بود؟ به آقا بدهید. خوب گوش بدهید.

چرا امام زمان علیه السلام غایب است؟ جواب: یازده تا لامپ را شکستند. لامپ دوازدهمی را خدا حفظ کرد.

سؤال: امام زمان علیه السلام چطور بچگی به امامت رسید؟ جواب: ... حرف بزنید! فلش کامپیوتر!

۶ - امام زمان علیه السلام، همچون ابرو و مژه‌ی هستی:

سؤال: چطور امام زمان علیه السلام پیر نمی‌شود؟ هزار و دویست سالش است، پیر نمی‌شود. نه! چطوری؟

اینطوری! ابرو! ابرو و مژه مو است، هشتاد سال پیر نمی‌شوند. یک سانتی‌اش موی سر و صورت است، هر چه می‌روی اصلاح هفته‌ی دیگر پر می‌شود. یک مو دائماً بلند می‌شود، قیچی می‌کنیم، بلند می‌شود، قیچی می‌کنیم، یک مو ثابت است. پس خدا می‌تواند یک مو را ثابت نگهدارد، یک مو را متغیر! همان خدا می‌تواند یک آدم را ثابت نگهدارد، یک آدم را متغیر! گرفتید یا نه؟ آخر وقتی شما چنین گوش می‌دهید... حرف‌هایم را من ناقص می‌زنم، که شما کاملش کنید. چرا امام زمان علیه السلام غایب است؟ جواب: یازده تا لامپ را شکستند. چطور بچه‌ی سه ساله امام می‌شود؟ فلش کامپیوتر! چطور امام زمان علیه السلام پیر نمی‌شود؟ موی ابرو! موی ابرو هشتاد سال است، موی مژه هشتاد سال تکان نمی‌خورد. کنارش موی سر و صورت، هر چه اصلاح می‌کنی، جایش پر می‌شود. خدا بخواهد یک نفر را ثابت نگه می‌دارد و یک نفر را متغیر! یک صلواتی بفرستید.

هستی را خدا برای انسان آفرید! کلمه‌ی «لکم» را بلدید که به چه معناست؟ «لکم» یعنی برای شما. در قرآن «لکم» زیاد است. خیلی «لکم» در قرآن است. «خَلَقَ لَكُمْ»، «سَخَّرَ لَكُمْ» و «مَتَاعاً لَكُمْ» نشانه‌ی آن است که هستی برای انسان است. لکم همان شعری است که ما می‌خوانیم:

ابر و باد و مه خورشید و فلک در کارند * * * تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری!

۷ - رشد انسان، در گرو طی نمودن راه خدا:

خداوند کل هستی را برای انسان آفرید. خوب پس هستی برای ماست، خورشید برای منافع ما است، ماه، دریا، جنگل، باران، باد، ابر، همه چیز برای ما است. ما برای چه هستیم؟ قرآن فرمود: انسان را آفریدم (وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) (ذاریات/ ۵۶) من می‌خواهم تو بندگی کنی. نمی‌گویند: من می‌خواهم که عبادت بشوم. می‌گویند: می‌خواهم تو عبادت بکنی. یک وقت می‌گفت: من آفریدم تا عبادت بشوم. می‌گویند: خدایا! نیاز داشتی؟ خدا نیاز ندارد. ما همه ایمان بیاوریم... بارها من این مثال را زده‌ام، همه ایمان بیاوریم، چیزی گیر خورشید نمی‌آید، چیزی گیر خدا نمی‌آید. همه هم کافر بشویم، چیزی از خدا کم نمی‌شود. مثل چه چیزی؟ اینجا من یک مثالی دارم! مثال خورشید است. اگر همه‌ی ما رو به خورشید خانه بسازیم، چیزی گیر خورشید نمی‌آید. همه‌ی ما پشت به خورشید خانه بسازیم، چیزی از خورشید کم نمی‌شود. نگفته است: «وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِأَعْبُدَ» نگفته است، من می‌خواهم عبادت بشوم. گفته است می‌خواهم تو عبادت کنی. یک وقت پدر بزرگ به بچه‌اش می‌گوید: عزیز! دستت را به من بده! پدر بزرگ چیزی گیرش نمی‌آید. ولی تو اگر دستت در دست پدرت باشد، نمی‌افتی. دستت از دست پدرت جدا بشود، ممکن است در چاله و چوله بیفتی! می‌گویند: دستت را به من بده به این معنا نیست که می‌خواهم چیزی گیر من بیاید، می‌خواهم تو حفاظت بشوی. «لِيَعْبُدُونِ» نه «لِأَعْبُدَ» وگرنه می‌گوییم: حالا خدا نیازی به عبادت ما داشت؟ نه! اگر معلم سر کلاس گفت: قدر زحمات من را بدانید. من زحمتی که می‌کشم و به شما درس می‌دهم، خوب درس بخوانید. درس خواندن شاگرد، چیزی به جیب استاد اضافه نمی‌کند. معلم در آموزش و پرورش یا دانشگاه استخدام شده است، کارش را می‌کند و درسش را می‌دهد، چه شما درس را بگیرید و چه بازیگوشی کنید. اما می‌گویند: قدر زحمات من را داشته باشید و درس من را گوش بدهید، این به نفع شاگرد است، نه به نفع استاد. بندگی و دینداری ما به نفع خودمان است، وگرنه همه‌ی مردم کافر شوند و همه‌ی مردم مؤمن بشوند، چیزی به خدا اضافه نمی‌شود. کل هستی را قرآن می‌گوید که در حال سبحان الله گفتن هستند. «سَبَّحَ اللَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (حدید/ ۱) هم سَبَّحَ داریم و هم «يُسَبِّحُ» تمام هستی سبحان الله می‌گویند. حالا

تو یک سبحان الله گفتی، گفتی، نگفتی، نگفتی، با سبحان الله تو چیزی جابجا نمی شود. وقتی تمام ذرات هستی سبحان الله می گویند، تو می خواهی بگو، می خواهی نگو! منتهی تو باید وصله ی ناهم رنگ هستی نباشی. وقتی کل هستی، در حال تسبیح هستند، تو از جمادات عقب نباش، از دانه ی شن عقب نباش!

ما به امام زمان عجل الله فرجه نیاز داریم. شما نگاه کنید، حالا تشبیه هم درست نیست ولی چه کنیم، از درد لاعلاجی است. شما نگاه کنید، یک هزارم یک میلیونیم، یک میلیاردم، امام زمان عجل الله فرجه امام خمینی رحمه الله بود، امام خمینی آمد چه شد؟ آمریکا بساطش را از ایران جمع کرد. آمریکا در ایران عزیز بود، ذلیل شد. طاغوت ها عزیز بودند، امام که آمد، طاغوت ها ذلیل شدند. رجایی در زندان آن معلم با فضیلت کتک می خورد، رجایی آمد و رئیس جمهور شد. قانون ها اسلامی شد. البته نه که همه ی مردم خوب شده باشند. هنوز هم آدم بد هست. خیلی هم هست. هر روزی که پای تلویزیون می نشینی، یک جایی کش رفتند، دزدیدند، اختلاس کردند، حیف و میل کردند. پارتی بازی کردند، رانت خواری کردند، گناهکار هنوز هم داریم. اما ماشینان سالم است. ببینید گاهی وقت ها در ماشین آدم می نشیند، وقتی شما سوار ماشین که می خواهید بشوید، دو تا دقت می کنید. یکی نگاه می کنید که این ماشین قرضه است، نو است، اگر دیدید ماشین نو است، یک نگاهی هم به قیافه ی راننده می کنید. قیافه ی راننده هم سر حال است، خواب آلود و مثل هروئینی ها نیست. چرت بزند و از این حرف ها... اگر راننده خوب بود و ماشین هم خوب بود، سوار می شوید. گرچه وقتی سوار می شوید می بینید، ای بابا! این چه کسی بود که آمد و کنار ما نشست؟ سیگار می کشد... بلند می شویم و صندلی دیگری می رویم، می بینیم که آن هم تخمه می شکند و پوست هایش را دور می ریزد، پوست پرتقال و پوست تخمه... بلند می شوی و می رویم یک صندلی دیگر می نشینیم، ایا این هم بچه اش ادرار کرد. بلند می شوی و می رویم یک صندلی دیگر می نشینیم، این هم استفراغ کرد. هر صندلی می نشینی می بینی که بغل دستی ات خراب کرد. از ماشین پیاده می شویم؟ نه! می گوییم: ماشین سالم است، راننده اش هم سالم است. این مسافرها را باید یک فکری کرد. با امر به معروف، با نهی از منکر، با جریمه با تذکر، با خواهش، با التماس و به هر قیمتی است، آدم ها را باید اصلاح کرد، نباید از ماشین پیاده شد. ماشین ما اسلام است. راننده ما امام خمینی رحمه الله است، مقام معظم رهبری است. حالا یک شهردار، یک وکیل، یک وزیر، یک سفیر، یک معلم، یک آخوند، اگر این ها یکی یکی بعضی هایشان بد در آمدند، ما نمی گوییم که حالا که بد هستند، پس ماشین هیچی! پیاده شویم ماشین های دیگر راننده شان مثل صدام هستند. شما نگاه کنید که رانندگان سعودی، حاکمان سعودی نفت مسلمان ها را می فروشند، از آمریکا اسلحه می خرند، مسلمانان یمن را می کشند. با پول فروش نفت مسلمانان، اسلحه ی

آمریکا را بخر و مسلمانان را بکش. این حکومت است؟ شما نگاه کنید داعش را، شما نگاه کنید منافقین را، شما نگاه کنید صدام را، نبودید، ده هزار جوان و نوجوان مثل شما را صدام کشت. پیاده شویم، حکومت دست صدام می افتد. تمام دنیا حکومت هایش طاغوت هستند. تمام دنیا حکومت هایش طاغوت هستند، جز ایران! ما مشکل خیلی داریم. خیلی از مسافرها خیلی غلطها می کنند. اما ماشینان خوب است. و لذا نمی شود گفت: خیلی خوب! ما از خیرش گذشتیم.

۸ - لزوم شرکت در انتخابات و انتخاب فرد اصلح:

حالا که کاندیداها با هم شاخ به شاخ می شوند، به هم تنه می زنند، ما به هیچ کدامشان رأی نمی دهیم. ما به هیچ کدام رأی نمی دهیم. یا حالا که چنین شد، حالا که گوشت گران شد، حالا که پنیر گران شد، حالا که اینجا حل نشد، حالا که مشکلات اقتصادی حل نشد، پس ما نیستیم. مثل این است که بگوییم: حالا که او تخمه شکست، حالا که او پوست پرتقال پرت کرد، حالا که او دود سیگار در ماشین راه انداخت، حالا که... پس ما از ماشین پیاده می شویم. نمی شود پیاده شد. پیاده شویم، نابود می شویم، چون باید بالاخره سوار یک ماشینی بشویم. باز رحمت به این جمهوری... ماشین که دو تا سالم داریم. یک ماشین سالم و دو راننده سالم! حالا مسافرها یکی یکی... البته نه همه شان، خوب بعضی از مسافرها خراب می کنند. این جواب کسانی است که می گویند: ما در انتخابات شرکت نمی کنیم. معنای شرکت در انتخابات هم این نیست که این صد در صد خوب است.

شما وقتی غذایی می خورید، معنایش این نیست که این بهترین غذای کره‌ی زمین است. در این چهارتا غذا ما این یکی را می خوریم. حالا معنایش این نیست که این صد در صد غذایش بهداشتی است. ممکن است همین را هم که خوردیم بعداً بفهمیم که اشتباه کردیم. ما امروز، ضامن عقل امروزمان هستیم. شما امروز از من گناه کبیره سراغ نداری، می توانی پشت سر من نهاز بخوانی. حالا ببینیم ما می خواهیم پشت سر آقای قرائتی نهاز بخوانیم، بعدش چه می شود؟ نکند این شیخ هم خراب دربیاید؟ نکند این سید، نکند این وکیل، نکند این سفیر، نکند این آقای دکتر، نکند خراب کند؟ ما امروز ضامن عقل خودمان هستیم. تا امروز از این آخوند گناه کبیره ندیده ایم، به او اقتدا می کنیم. هر وقت هم که گناه کبیره از او دیدیم، کاری ندارد. از شاه که مهم تر نیست. شاه را نخواستند، گفتند: مرگ بر شاه! مرگ بر شاه! رفت. خودش می رود. امروز باید فکر کنیم، بهترین را انتخاب کنیم. علم غیب هم نداریم. خبر از فردا هم نداریم. امروز ایشان خوب است. و معنای خوب هم این نیست که همه چیزش خوب باشد. ممکن است شما سی و هشت سال پای بحث تلویزیون من

بنشین و استفاده کنی، بگویی: قرائتی بحث‌هایش خوب است. اما حالا ممکن است به حاج خانم ما زنگ بزنی، حاج خانم! این آقای قرائتی که تلویزیون درس می‌دهد، اخلاقش هم خوب است؟ ممکن است در خانه خانم من از من راضی نباشد. ممکن است یک نفر بگوید: آقا! من دو بار به این شیخ سلام کردم، جواب من را نداد. اتفاقاً دیروز پیش آمد. یک کسی گفت: آقای قرائتی! سه بار سلامت کردم جواب ندادی! گفتم: حواسم جای دیگر بوده است. آخر ما هم دیگر تاریخ مصرف داریم. گاهی وقت‌ها قاطی می‌کنیم.

می‌گویند: یک کسی بود، زمستان‌ها لبو می‌فروخت، تابستان‌ها بستنی! منتهی گاهی قاطی می‌کرد، می‌گفت: بستنی داغه! این به جای اینکه بگوید: لبو داغ است، می‌گفت: بستنی داغ است. خوب من هم گاهی قاطی می‌کنم. من خودم روی منبر گفته‌ام: شمر علیه السلام! به جای امام حسین علیه السلام! شما روی کره‌ی زمین به دنبال معصوم نگرد. این حرف برای دکتر بهشتی است. دکتر بهشتی شهید مظلوم فرمود: روی زمین دنبال معصوم نگردید. هر کسی را که نزدیکش بروید ممکن است یک عیبی داشته باشد. منتهی چه کسی کم عیب‌تر است، چه کسی امروز عیب ندارد! حالا ممکن است فردا عیب داشته باشد، اگر فردا عیب داشت، به او تذکر می‌دهیم. امروز سالم است، فردا اگر دسته‌گلی آب داد، به او تذکر می‌دهیم. کشور ما هم مجلس دارد، هم رهبر دارد، شورای نگهبان دارد، خود مردم خودشان یک کسی هستند. مردم خوب تشخیص می‌دهند. گاهی مردم با فهم خودشان یک چیزهایی می‌فهمند که خیلی از خواص هم ممکن است نفهمند. وقتان تمام شد.

خوب اگر گفتند جلسه‌ی نیمه شعبان تلویزیون چه بود، چند کلمه! یک: قرآن می‌گوید: کسی که آیات قرآن دارد و رسول دارد، نباید گمراه شود. رسول که از دنیا رفت پس باید جای رسول یک کسی باشد مثل رسول، که حجت خدا بر ما تمام بشود. یعنی همانطوری که خدا به زمان پیغمبری‌ها می‌گفت: شما آیه دارید، رسول هم دارید، به زمان ما هم باید بگوید: شما آیات قرآن را دارید، حجت خدا هم دارید. که حالا دست شما به حجت خدا نمی‌رسد، مجتهد، عادل، بی‌هوس، جانشین امام زمان علیه السلام است.

پنج مورد هم مثال زدیم، برای پنج مورد اشکال! اشکال اول: بچه‌ی سه ساله چطور امام می‌شود؟ فلش کامپیوتر! دوم: چطور امام زمان علیه السلام پیر نمی‌شود؟ موی ابرو! سوم: چرا امام زمان علیه السلام غایب است؟ یازده لامپ را شکستند. بعد هم گفتم: روی کره‌ی زمین به دنبال معصوم نگردید. ما در انتخابات باید شرکت کنیم. و معنای انتخابات این نیست که این معصوم است. فعلاً این بهترین است. چون کلید مملکت را می‌خواهیم دست این بدهیم تا امانتداری کند. خدای ناکرده بگوییم: چون همشهری‌مان است، چون هم‌لباس‌مان است، نمی‌دانم در دانشگاه و در حوزه هم‌درس بودیم، در حوزه با هم بودیم، هیچ از این حساب‌ها نکنید. بین

خودتان و خدا اگر نمره‌ی سیزده سراغ دارید، به نمره‌ی دوازده رأی بدهید، خیانت کرده‌اید. این حدیث است. «مَنْ تَقَدَّمَ عَلَى قَوْمٍ وَ هُوَ يَرَى فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ» اگر کسی یک مسؤولیتی را به کسی بدهد، و حال اینکه می‌داند این کسی را که به او نمره می‌دهد، نمره ۱۳ است و نمره‌ی ۱۴ هم هست، ولی خوب به ۱۳ رأی می‌دهیم. چرا؟ چون جزء حزب ما است. باند ما است، رفیق ما است، همشهری ما است، هم لباس ما است، اگر کسی نمره‌ی ۱۴ سراغ دارد، به نمره‌ی ۱۳ رأی بدهد، به خدا و رسول و همه‌ی مؤمنین خیانت کرده است. «فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الْمُؤْمِنِينَ» (الغدیر/ج ۸/ص ۲۹۱) «خَانَ اللَّهَ» یعنی خیانت کرده است. خدایا! جمهوری اسلامی را آنطوری که رضای خودت هست، هدایت بفرما! مسئولینش را آنطوری که تو راضی هستی، هدایت بفرما! دشمنان ما را در تمام کارهایشان ناکام و مؤمنین را در همه‌ی کارها پیروز بفرما.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته